فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی
سال یکم، شماره 1، بهار 1392، صفحات 96- 81

آسیب‌شناسی تحولات ارزی اخیر با تأکید بر بخش بازرگانی

امیرحسین مزینی
عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس
mozayani@modares.ac.ir

مروری بر سیاست‌های ارزی اتخاذشده طی دهه اخیر حکایت از اعمال سیاست نرخ ارز شناور به‌شدت مدیریت شده دارد که الزاماً با سیاست‌های اتخاذ شده در حوزه‌های پولی و مالی دولت هماهنگ نمی‌باشد. نتیجه این شرایط تثبیت نسبی نرخ ارز و اضافه ارزش پول ملی طی دهه اخیر و متعاقب آن افزایش ناگهانی نرخ ارز (کاهش ارزش پول ملی) در دو سال اخیر می‌باشد. در این رابطه، طیف وسیعی از عوامل دخیل می‌باشند از سیاست‌های پولی، مالی و ارزی ناکارا و اغلب متناقض نهادهای پولی و مالی کشور گرفته تا تنش‌های سیاسی بین‌المللی به‌ویژه مقوله تحریم. مقاله حاضر به بررسی این پدیده و تبعات مترتب بر آن در قالب فرصت‌ها و تهدیدهای احتمالی پرداخته است. نتایج حکایت از آن دارد که صرفنظر از تبعات منفی این پدیده همچون قرار گرفتن (ورود) در یک رژیم تورمی بالاتر،تحریک انتظارات تورمی عاملان اقتصادی، ایجاد مقدمات دلاری شدن اقتصاد (پدیده جانشینی پول) و ... چنانچه سیاستگذاری بهینه در زمینه مدیریت صحیح و بهره‌گیری از فرصت‌های احتمالی ایجاد شده از آن صورت نگیرد این شرایط می‌تواند در چارچوب نارسایی‌های موجود در سایر بخش‌ها، عدم تحقق انتظارات مربوط به بهبود ترازتجاری و معضلات جدیدی همچون صادرات قاچاق و تورم مزمن کالاهای وارداتی و... را در پی داشته باشد.

طبقه‌بندی JEL: F31, F41.
واژه‌های کلیدی: نرخ ارز، سیاست‌های پولی و ارزی، قیمت‌های نسبی، واردات، صادرات، ایران.

* تاریخ دریافت: 1392/2/21 تاریخ پذیرش: 1392/4/20

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

1. مقدمه

تعارض میان سیاست‌های پولی و ارزی کشور طی دهه اخیر از موضوعاتی است که به‌شدت جلب توجه می‌نماید، زیرا همزمان که افزایش پیوسته حجم پول طی این مدت به یکی از ویژگی‌های ذاتی اقتصاد ایران تبدیل شده است در حوزه مدیریت بازار ارز اعمال نوعی سیاست کنترلی (سیاست نرخ ارز به‌شدت مدیریت شده) در دستورکار قرار گرفته است که با سیاست انبساطی اتخاذ شده در بخش پولی در تعارض می‌باشد. بررسی اعداد و ارقام موجود حکایت از آن دارد که طی دوره (1378-1368) نقدینگی کشور با 1124 درصد رشد بالغ بر 12 برابر شده و متعاقب آن شاخص قیمت‌ها با 798 درصد رشد حدود 9 برابر و نرخ ارز نیز رشدی 562 درصدی را تجربه نموده است. حال آنکه طی دوره (1389-1379) نقدینگی کشور با 986 درصد رشد بالغ بر 10 برابر شده و متعاقب آن شاخص قیمت‌ها با 292 درصد رشد حدود 4 برابر شده است، اما طی این مدت نرخ ارز تنها 30 درصد افزایش یافته که خود نوعی تناقض در سیاست‌های کلان اقتصادی به‌حساب می‌آید. بدیهی‌ترین پیامد این شرایط را می‌توان در دو حوزه دنبال نمود:

– اختلال در قیمت‌های نسبی اقتصاد به‌ویژه قیمت نسبی کالاهای قابل مبادله به غیرقابل مبادله و متعاقب آن افزایش واردات (رسمی) و تبعات مترتب بر آن از منظر تولید ملی و نیز واردات غیررسمی (قاچاق) و خروج سرمایه که در نیمه دوم دهه 1380 به‌ویژه سال‌های (1389-1387) به اوج خود رسید، به‌گونه‌ای که محاسبات صورت‌گرفته در این رابطه از رقم 16/2 میلیارددلاری واردات قاچاق در سال 1387 حکایت می‌نمایند (ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، 1388).

- انتظار تعدیل (افزایش) ناگهانی نرخ ارز (تخلیه بازار ارز) جهت ایجاد تعادل در قیمت‌های نسبی اقتصاد به‌ویژه ناشی از تورم انباشته موجود در اقتصاد (طی دهه 1380).

در چنین شرایطی اقتصاد ایران وارد دهه 1390 گردید و این در حالی بود که به‌دلیل تنش‌های سیاسی بین‌المللی به‌ویژه مقوله تحریم اثر متغیرهای غیراقتصادی بر حوزه اقتصاد هرچه بیشتر مشهود می‌گشت و کماکان دولتمردان به‌ویژه مقامات پولی و ارزی کشور بر این باور بودند که در سایه سیاست‌های کنترلی دولت در بازار پول و ارز و نیز به یمن درآمدهای قابل‌توجه ارزی (نفتی) قادر به ادامه این وضعیت می‌باشند، اما با سپری شدن نیمه اول سال

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

واقعیت‌های اقتصادی نمود یافت و با افزایش مداوم نرخ ارز بحرانی در نظام پولی و ارزی کشور شکل گرفت. این بحران (در سال 1390) زمانی‌که نرخ برابری هر دلار از 1220 تومان در شهریورماه 1390 به 1890 تومان در اسفند ماه و متعاقب آن به بالغ بر3500 تومان در مهر ماه 1391 رسید، اوج گرفت. هر چند از آن پس نیز ادامه یافت به‌گونه‌ای که نرخ برابری دلار در سه ماهه چهارم سال 1391 عدد 4000 تومان را نیز تجربه نمود سپس اندکی کاهش یافت که این وضعیت همچنان نیز ادامه دارد که حاکی از تداوم نابسامانی در بازار ارزی کشور است.

به‌نظر می‌رسد می‌توان شرایط موجود را به‌نوعی مصداق جهش آنی نرخ ارزی[1] دانست که در قالب ادبیات مربوطه قابل بررسی و تحلیل است با این تفاوت که مؤلفه‌های دیگری غیر از سیاست‌های انبساطی پولی همچون تنش‌های سیاسی و تحریم نیز در آن دخیل بوده‌اند که این بحث موضوع مقاله حاضر می‌باشد. در ادامه، ضمن مروری بر مبنای نظری بحث (جهش نرخ ارز) تلاش می‌شود به بررسی تبعات این پدیده در اقتصاد ایران و شرایط فعلی پرداخته شود و فرصت‌ها و تهدیدهای مترتب بر آن مورد بررسی قرار گیرد.

2. مروری بر مبانی نظری جهش آنی نرخ ارز

جهش نرخ ارز یکی از رفتارهای غیرنرمال[2] نرخ ارز می‌باشد که عمدتاً ریشه پولی دارد که برای نخستین بار در سال 1976 نیز در یک چارچوب پولی توسط رودیجر دورنبوش مطرح گردید. وی بحث خود را در قالب یک مدل استاندارد ماندل فلمینگ در کشور کوچک با فرض نرخ ارز شناور و تحرک کامل سرمایه و فرض برقراری PPP (حداقل در بلندمدت) و مبتنی بر سه بازار کالا، پول و دارایی‌های بین‌المللی ارائه نمود به این معنا که چنانچه اقتصاد در معرض انبساط پولی غیرمنتظره و پیوسته قرار گیرد نرخ ارز در کوتاه‌مدت از مقدار بلندمدت خود فراتر رفته و مجدداً در بلندمدت به آن سطح باز می‌گردد، به‌گونه‌ای که شرط برابری قدرت خرید مجدد برقرار گردد.

جهش نرخ ارز اصولاً پدیده‌ای کوتاه‌مدت است و از یکسان نبودن سرعت تعدیل در بازارهای مختلف نشأت می‌گیرد. به‌عبارت دیگر، از آنجا که به‌دلیل چسبندگی موجود در بازار

1. Exchange Rate Overshooting
2. Abnormal

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

کالاها قیمت‌ها سریعاً تعدیل نمی‌شوند شوک ناشی از افزایش حجم اسمی پول به‌دلیل انعطاف‌پذیر بودن بازار دارایی‌ها در قالب جهش ناگهانی نرخ ارز بروز می‌نماید و به‌تدریج با گذشت زمان آثار آنی شوک برطرف گشته و بازار کالاها و بازارهای پول و دارایی به تعادل می‌رسند. جهش پولی نرخ ارز از طریق رابطه مربوط به تقاضای پول (رابطه 1) به‌خوبی روشن می‌گردد.

$$M = P.\ L\ (r + \Pi^{*},\ Y) \qquad (1)$$

که درآن، M حجم اسمی پول، P سطح عمومی قیمت‌ها، L تابع تقاضای پول، r نرخ بهره واقعی، Π^{*} قیمت موردانتظار و Y در آمد ملی می‌باشد. واضح است که سطح عمومی قیمت‌ها ترکیبی موزون از قیمت کالاهای قابل تجارت (Ep*) و غیرقابل تجارت (p) می‌باشد. اگر سهم این دو را در سطح عمومی قیمت‌ها با مقادیر $\propto$ و $1-\propto$ ($0 < \propto < 1$) نشان دهیم سطح عمومی قیمت‌ها عبارتند از:

$$P = p^{\propto}\ (E.p^{*})^{1-\propto} \qquad (2)$$

که در آن، E نرخ ارز اسمی و p* سطح قیمت‌های خارجی می‌باشد. با جایگذاری رابطه (2) در رابطه (1) خواهیم داشت:

$$M = p^{\propto}\ (E.p^{*})^{1-\propto}\ .\ L\ ((r + \Pi^{*}),\ Y) \qquad (3)$$

با توجه به رابطه فوق و با فرض ثابت بودن تقاضای پول و سطح عمومی قیمت‌ها در دو کشور در کوتاه‌مدت مشاهده می‌گردد هرگونه افزایش حجم پول به‌صورت مستقیم بر نرخ ارز (E) به‌عنوان حساس‌ترین متغیر اثر می‌گذارد. با این توضیح که به‌دلیل سهم قیمتی کالاهای قابل تجارت (که کوچکتر از یک می‌باشد) در سطح عمومی قیمت‌ها افزایش نرخ ارز به‌مراتب بیشتر از افزایش حجم پول خواهد بود. چنانچه از روابط (1) و (2) دیفرانسیل بگیریم و در یکدیگر جایگذاری کنیم خواهیم داشت:

$$\frac{dE}{E} = \frac{1}{1-\propto} * \frac{dP}{P} = \frac{1}{1-\propto} * \frac{dM}{M} \mapsto \left(\frac{1}{1-\propto} > 1\right) \Rightarrow \frac{dE}{E} > \frac{dM}{M} \qquad (4)$$

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

رابطه (4) ناظر بر بحث جهش نرخ ارز می‌باشد، چراکه تغییر به‌وجود آمـده در نـرخ ارز از تغییر حجم پول بیشتر است.

فرایند تعدیل جهش نرخ ارز به این صورت می‌باشد که پس از افـزایش غیرمنتظـره حجـم پول نرخ ارز بلافاصله افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، افزایش حجم پـول کـاهش نـرخ بهـره را به‌همراه خواهد داشت که بـا توجـه بـه رابطـه برابـری نـرخ‌هـای بهـره نـوعی تنـاقض محـسوب می‌گردد، بنابراین به‌منظور خنثی نمودن اثر کاهش نرخ بهره، نرخ ارز می‌بایست به‌انـدازه کـافی در جهت کاهش (ارزش پول ملی) دچار جهش گردد تا بازگشت آن به نرخ تعـادلی بلندمـدت در قالب افزایش ارزش پول ملی، کاهش نرخ بهره را جبران نماید. در ادامه فرایند تعـدیل لازم است سطح قیمت‌ها، نرخ بهره و نرخ ارز به مقدار تعادلی بلندمدت خود میل نمایند به‌گونه‌ای‌که تغییرات سطح عمومی قیمت‌ها، حجم پول و نرخ ارز یکسان گردند.

نمودارهای (1) و (2) فرایند پیدایش و تعدیل جهش پولی نرخ ارز را نـشان مـی‌دهنـد. در نمودار (1) خط موجود (با شیب منفی) در فضاهای i و E مکان هندسی نقاطی اسـت کـه شـرط برابری نرخ بهره برقـرار مـی‌باشـد و خـط موجـود (بـا شـیب منفـی) در فـضاهای i و M منحنـی تقاضای پول نسبت به نرخ بهره می‌باشد. مشاهده می‌گردد در اثر یک انبساط پولی، عرضه پـول از M_0 به M1 تبدیل می‌شود و نیز خط برابری نرخ بهره به سمت بالا انتقـال مـی‌یابـد (نقـاط B). مشاهده می‌گردد در این حالت نرخ بهره کاهش و نرخ ارز به اندازه E1E2 جهش می‌نماید، اما پس از طی فرایند تعدیل اقتصاد در سطوح تعادلی C در بلندمدت به تعادل می‌رسد.

نمودار (2) نحوه حرکت دو متغیر حجم پول و نرخ ارز را در مسیر زمان نشان می‌دهد کـه اقتصاد در تعادل اولیه (نقطه A) که رشد نرخ ارز و حجم پول یکسان می‌باشد دچار یک انبساط پولی مداوم می‌گردد . این امر باعث می‌شود نرخ ارز تا نقطه A′ جهش نماید اما به مـرور زمـان هر دو متغیر به سمت یک نرخ رشد واحد میل می‌نمایند (رومر، 1996).

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

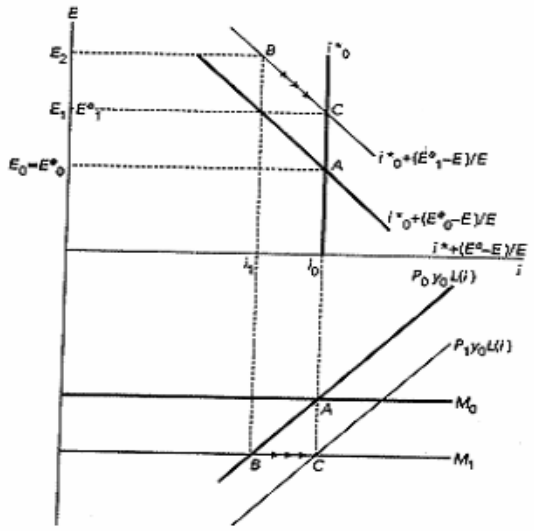

نمودار 1. جهش پولی نرخ ارز

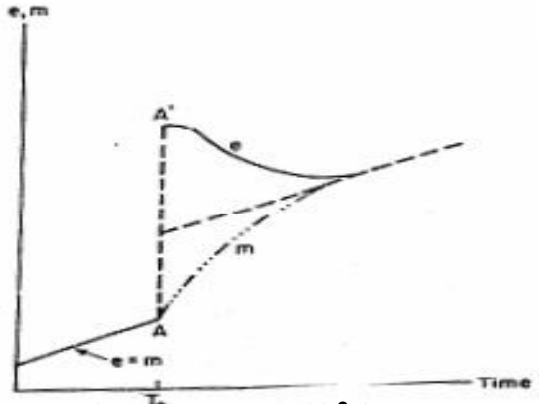

نمودار 2. فرایند تعدیل جهش پولی نرخ ارز

هرچند ادبیات پدیده جهش نرخ ارز اساساً ریشه در شوک‌های پولی دارد، اما به‌نظر می‌رسد نرخ ارز می‌تواند بسته به شرایط و در مواجهه با انواع دیگر شوک‌ها نیز دچار افزایش ناگهانی شود. به‌نظر می‌رسد آنچه در ماه‌های اخیر در اقتصاد ایران شاهد هستیم

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

ویرایشی از پدیده جهش نرخ ارز می‌باشد که به‌دلایلی همچون جریان فزاینده پول و نقدینگی، عملکرد ناکارای مقامات پولی و ارزی، بحران سیاسی و تحریم، نارسایی در بازار سایر دارایی‌ها و ... بروز یافته و بدیهی است از آنجا که ریشه آن صرفاً پولی نیست فرایند تعدیل آن نیز تابعی از تحولات کلان اقتصادی (ورای بازار پول و دارایی‌های مالی) می‌باشد که در ادامه به این مهم پرداخته می‌شود. لازم به ذکر است بحران‌های ارزی در دیگر کشورها نیز مسبوق به سابقه می‌باشد که در ادبیات موضوع عمدتاً از آنها به حملات سوداگرانه ارزی یاد می‌شود که نمونه‌هایی از آنها در مکزیک (1994)، آسیای شرقی (1997)، روسیه (1998) و برزیل (1999) مشاهده شده‌اند. در چنین شرایط معمولاً بانک‌های مرکزی سیاست‌های دفاعی در پیش می‌گیرند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به فروش ذخایر ارزی، افزایش نرخ‌های بهره کوتاه‌مدت، اعمال محدودیت بر تحرک سرمایه و مداخلات در بازار آتی ارز و ... اشاره نمود. بدیهی است شرایط به‌وجود آمده در ایران با نمونه‌های موجود در جهان تفاوت‌هایی دارد، چراکه اساساً علل به‌وجود آورنده آن نیز متفاوت می‌باشد.

3. چشم‌انداز کنونی اقتصاد ایران (فرصت‌ها و تهدیدات)

بدون شک اقتصاد ایران در شرایط موجود در وضعیتی قرار گرفته که تقریباً مسبوق به سابقه نبوده (حتی در زمان شکست خوردن سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز در اردیبهشت ماه 1374) و به گونه‌ای وارد مرحله جدیدی شده که می‌توان از آن به دوران گذار یاد نمود، به گونه‌ای که چنانچه این دوران به‌خوبی مدیریت نشود می‌تواند تبعات بسیار سنگینی برای اقتصاد ایران به‌همراه داشته باشد. ضمن اینکه صرفنظر از نحوه مدیریت این بحران برای آینده به‌دلیل نقش کلیدی نرخ ارز در حوزه‌های اسمی و واقعی[1] تاکنون نیز تبعات نامطلوبی بر اقتصاد تحمیل شده است. به‌نظر می‌رسد شناسایی و احصاء تهدیدات و فرصت‌های مترتب بر این شرایط می‌تواند سیاستگذاران را در مدیریت بهینه امور یاری رساند که در ادامه در دستورکار قرار می‌گیرد.

1. Nominal & Real

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

1-3. تهدیدات و آسیب‌های احتمالی

1-1-3. قرار گرفتن (ورود) اقتصاد ایران در یک رژیم تورمی بالاتر

افزایش شدید نرخ ارز و افزایش سطح عمومی قیمت‌ها ناشی از آن (ناشی از بار روانی آن یا ناشی از افزایش قیمت کالاهای مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای وارداتی) می‌تواند اقتصاد را در سطحی جدید از تورم (احتمالاً بالای 50 درصد) قرار دهد که با وضعیت پیشین تفاوت معناداری دارد که از آن می‌توان به رژیم تورمی جدید یاد نمود. این شرایط صرفنظر از تبعات رفاهی آن بر اقشار مختلف مردم از منظر اثربخشی سیاست‌ها باعث ایجاد نوعی عدم تقارن[1] در سیاست‌های کلان اقتصادی (پولی، مالی و ارزی) می‌شود، بنابراین بدون شک در شرایط جدید نااطمینانی ناشی از اثربخشی سیاست‌های کلان اقتصادی نیز افزایش می‌یابد.[2]

2-1-3. کاهش اعتماد مردم به مقامات پولی و ارزی

موضع‌گیری متناقض مقامات اقتصادی و وعده‌های محقق‌نشده متعدد ایشان طی ماه‌های اخیر بدون شک اعتماد شهروندان و فعالان اقتصادی را به ایشان در مدیریت کلان اقتصاد کاهش داده است.[3]

3-1-3. تحریک انتظارات تورمی عاملان اقتصادی

به‌نظر می‌رسد پس از بحران تورمی سال 1374 و تحریک شدید انتظارات تورمی مردم ناشی از آن به‌گونه‌ای‌که پدیده پول سوزان در اقتصاد کشور بخوبی مشهود بود شرایط کنونی می‌تواند به‌خوبی دومین تجربه اقتصاد ایران در این راستا (چه بسا در سطحی بالاتر) محسوب شود.

4-1-3. تغییر در ساختار (تعادل) پس‌انداز و سرمایه‌گذاری کشور

این موضوع از چند جنبه قابل بررسی است. ابتدا آنکه طی ماه‌های اخیر رشد بیش اندازه نرخ ارز (در کنار نرخ طلا) باعث اقبال عمومی به دارایی‌های تورمی با قابلیت نقدشوندگی بالا شده

---

1. Asymmetry

2. لازم به ذکر است با توجه به مبانی نظری اقتصاد کلان در کنار مواردی همچون اجرای سیاست‌ها (مثبت و منفی بودن آنها)، اندازه و ابعاد سیاست‌ها، شرایط اقتصادی از حیث رونق و رکود و ...، نوع رژیم تورمی حاکم بر اقتصاد هنگام اعمال سیاست‌ها به‌ویژه سیاست پولی می‌تواند موجب بروز عدم تقارن سیاستی گردد.

3. این موضوع در ادبیات اقتصادی در قالب مباحث Discretionery & Commitment Policy قابل پیگیری است.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

است. عمق این بحران زمانی بیشتر به چشم می‌آید که برخی نهادهای عمومی و بعضاً مؤسسات مالی و بانکی نیز در این معرکه وارد شده‌اند. نکته دیگر، شیوع پدیده سفته‌بازی مالی است که باعث خروج بخش قابل‌توجهی از پس‌اندازها از نظام بانکی و به‌صورت همزمان فروش اوراق مشارکت و سهام و خروج نقدینگی از بازار سرمایه کشور شده است که تبعات خاص خود را در پی دارد.

علاوه بر این موارد، اساساً افزایش شدید نرخ ارز طی ماه‌های اخیر می‌تواند چشم‌انداز سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت اقتصاد را نیز متأثر سازد، چراکه با افزایش هزینه‌های (ارزی) سرمایه‌گذاری‌های آینده عملاً توجیه‌پذیری اقتصادی آنها تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد.

3-1-5. ایجاد مقدمات دلاری شدن اقتصاد (پدیده جانشینی پول)[1]

افزایش پیوسته نرخ ارز و کاهش قدرت خرید پول ملی عاملان اقتصادی را با هدف در امان ماندن از ریسک کاهش ارزش ریالی دارایی‌ها بر آن می‌دارد تا مبادلات خود را بر حسب ارز خارجی انجام دهند. این پدیده در عرصه بین‌المللی بسیار مشاهده گردیده و طی ماه‌های اخیر نمونه‌هایی از آن در اقتصاد ایران مشاهده شده است.

3-1-6. تضعیف سرمایه اجتماعی

بحران اخیر از مجرای فشارهای تورمی و رفاهی وارده بر مردم، عدم التزام مقامات اقتصادی به وعده‌های مطرح‌شده، احساس ناکارایی حاکمیت در تأمین خواسته‌های اولیه مردم و ... می‌تواند سرمایه اجتماعی که بدون شک یکی از پشتوانه‌های اقتصاد ملی می‌باشد را متأثر سازد.

3-2. فرصت‌های احتمالی

در کنار تهدیدات و تبعات منفی فوق به‌نظر می‌رسد می‌توان (به‌صورت بالقوه) فرصت‌هایی را نیز برای شرایط حاضر برشمرد. بدیهی است استفاده از تعبیر فرصت برای این موارد خود موضوعی نسبی است چراکه استفاده از این فرصت‌ها منوط به تحقق سایر شرایط می‌باشد. از مهم‌ترین این موارد می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

1. Currency Substitution

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

1-2-3. توسعه صادرات غیرنفتی

کاهش ارزش پولی ملی می‌تواند انگیزه مناسبی جهت توسعه صادرات به‌حساب آید، اما در عمل تحقق این مهم به برخی پیش‌شرط‌ها همچون کشش‌پذیری تولید کالاهای صادراتی،[1] پذیرش تبعات تورمی افزایش صادرات در اقتصاد ملی، کشش‌پذیری تقاضای کالاهای صادراتی، شرایط ورود و استفاده از ارز ناشی از صادرات توسط صادرکنندگان و ... بستگی دارد.

ذکر این نکته نیز ضروری است که با توجه به اختلاف میان قیمت‌های نسبی داخلی و بین‌المللی در برخی کالاها که مشمول حمایت‌های دولتی می‌باشند (همچون سوخت، دارو، کودهای شیمیایی و ...)، افزایش نرخ ارز می‌تواند به‌عنوان تهدید جدی در زمینه صادرات قاچاق این کالاها به‌حساب آید هر چند در زمینه سوخت این تهدید فعلیت یافته و مدتی است به‌عنوان یک معظل ملی نمود یافته است. نمودار (3) روند فزاینده حجم کشفیات قاچاق سوخت توسط نیروهای کاشف (که به‌نوعی حکایت از جریان فزاینده قاچاق حامل‌ها انرژی را دارد) به تصویر می‌کشد.

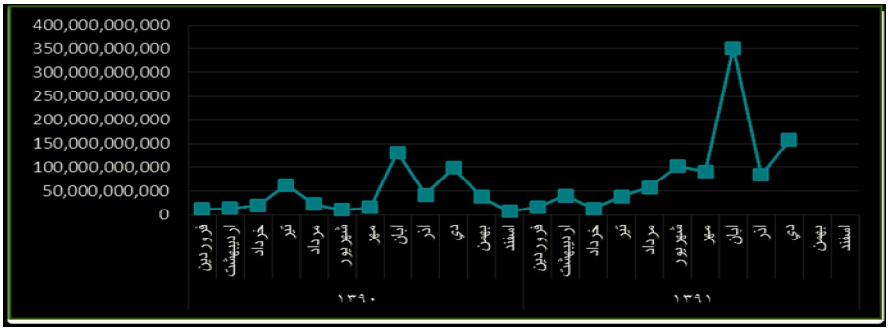

نمودار 3. ارزش ریالی ماهانه کشفیات قاچاق خروجی فرآورده‌های نفتی طی سال‌های (1391-1390)

1. پیشینه اقتصاد ایران حکایت از امکان افزایش معنادار صادرات غیرنفتی دارد. به‌عنوان مثال، به‌دلیل سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز و افزایش آن در سال‌های (1373-1372) صادرات غیرنفتی از 3/7 میلیارددلار در سال 1372 به 4/8 میلیارددلار در سال 1373 رسید که با شکست سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز و وضع محدودیت‌های ارزی، صادرات غیرنفتی کشور مجدداً به 3/25 میلیارددلار در سال 1374 و 2/87 میلیارددلار در سال 1376 کاهش یافت.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

همانگونه که مشاهده می‌شود بهره‌مندی مناسب از افزایش اخیر نرخ ارز در جهت افـزایش صادرات غیرنفتی و مدیریت پدیده صادرات قاچاق می‌توانـد یکـی از مهـم‌تـرین رسـالت‌هـای سیاستگذاران به‌حساب آید.

2-2-3. کاهش واردات (رسمی و غیررسمی)

بدون شک نرخ ارز یکی از کلیدی‌ترین متغیرهای مؤثر بر جریان واردات می‌باشد، چراکه عملاً قیمت تمام‌شده محموله‌های وارداتی چه برای عرضه‌کنندگان آنها و چه برای مصرف‌کنندگان نهایی تابعی از نرخ ارز بکار رفته در فرایند تجارت آنها است. در این چارچوب هرچند گران‌تر شدن واردات می‌تواند تبعات منفی بر اقتصاد داشته باشد، اما این شرایط می‌تواند برای صنایع تولیدی داخل نوعی فرصت به‌حساب آید مشروط به آنکه تبعات منفی ناشی از واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای گران‌تر فرصت‌های ایجاد شده را تحت‌الشعاع قرار ندهد.

به‌صورت خاص نتایج مطالعات انجام شده حکایت از آن دارد که بحران ارزی اخیر بـرای اقتصاد ملی در حوزه قاچاق تبعات مورد انتظار را در پی نداشـته اسـت. حتـی در زمینـه واردات قاچاق که انتظار می‌رفت بحران ارزی اخیر به‌عنوان یک فرصت عمل نموده و جریان قاچـاق را به‌صورت قابل‌توجهی کاهش دهد (مگر در برخی کالاهای تقریبـاً لـوکس همچـون اسـباب‌بـازی و کیف و کفش) تقریباً اینگونه نبوده است (سـتاد مرکـزی مبـارزه بـا قاچـاق کـالا و ارز، 1391). نمونه‌ای از جریان واردات رسمی و روند کـشفیات (قاچـاق) در برخـی کالاهـا طـی سـال‌هـای (1391-1390) در نمودارهای زیر به تصویر کشیده شده است.

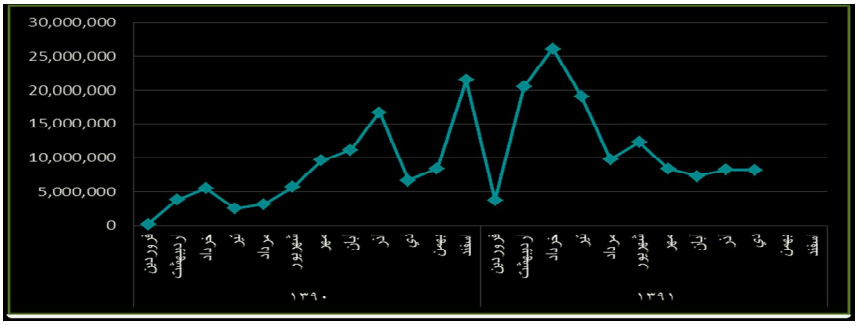

نمودار 4. روند ارزشی ماهانه واردات تلفن همراه طی سال‌های (1391-1390)

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

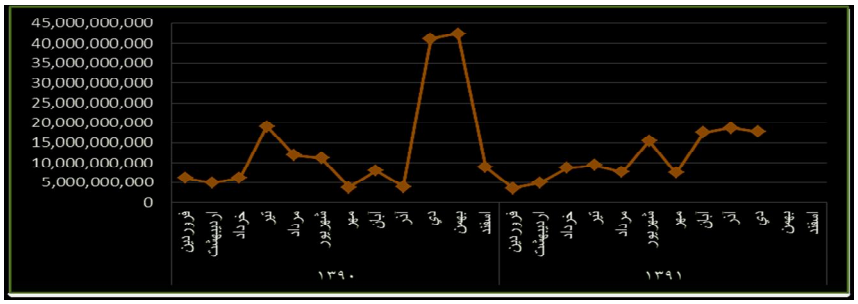

نمودار 5. ارزش ریالی کشفیات قاچاق ورودی تلفن همراه طی سال‌های (1391-1390)

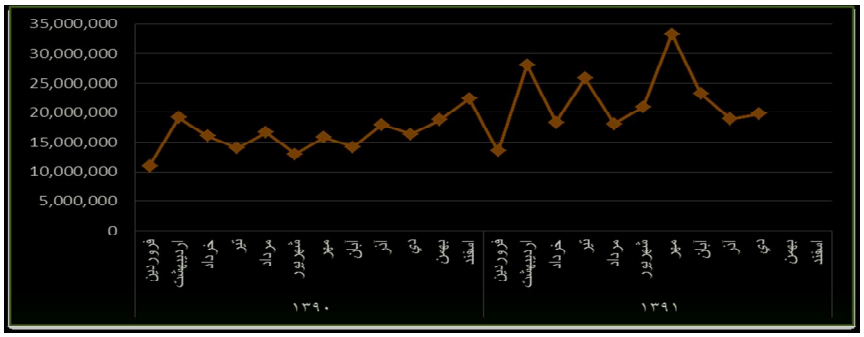

نمودار 6. روند ارزشی ماهانه واردات چای طی سال‌های (1391-1390)

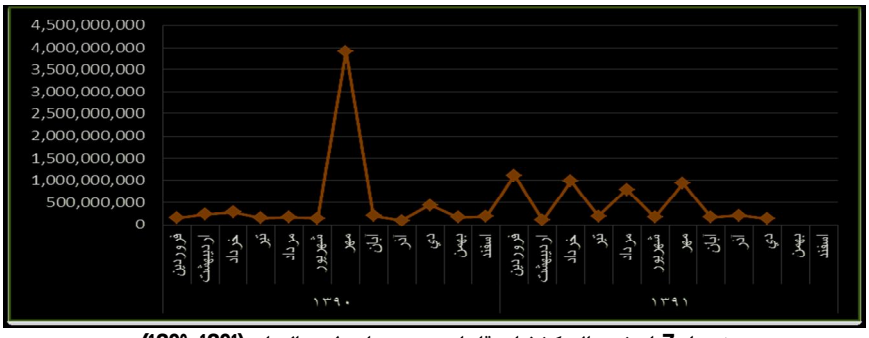

نمودار 7. ارزش ریالی کشفیات قاچاق ورودی چای طی سال‌های (1391-1390)

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

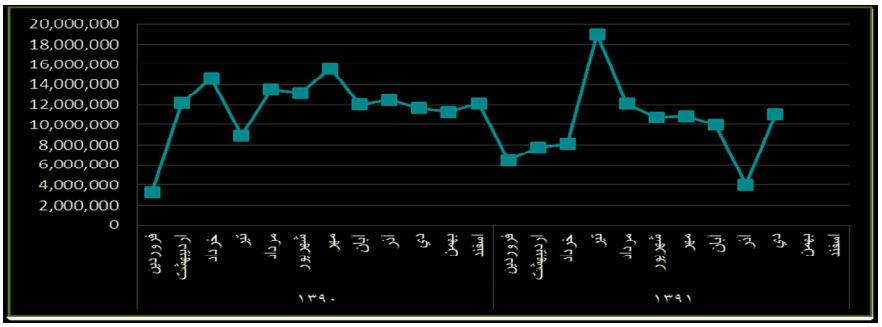

نمودار 8. ارزش دلاری واردات لوازم آرایشی بهداشتی طی سال‌های (1391-1390)

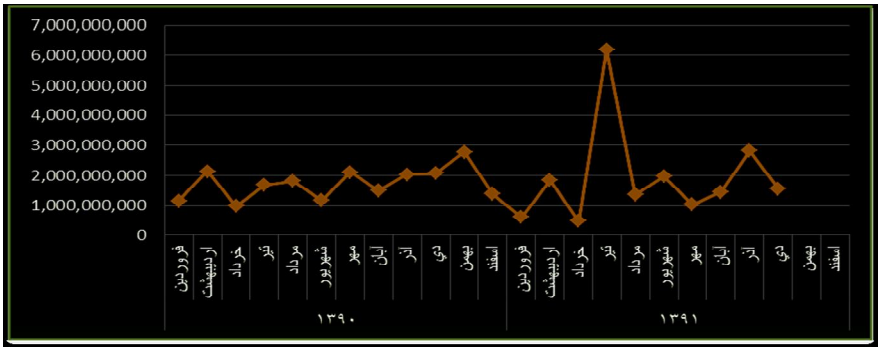

نمودار 9. ارزش ریالی کشفیات قاچاق ورودی لوازم آرایشی بهداشتی طی سال‌های (1391-1390)

همانگونه که مشاهده می‌شود به‌دلیل تورم موجود در کشور ناشی از پدیده مکانیزم انتقال[1] و افزایش سطح عمومی قیمت‌ها در زمینه واردات کالاهای (نمونه) فوق تغییر معناداری مشاهده نمی‌شود. این موضوع می‌تواند یکی از مجاری آسیب‌پذیری اقتصاد کشور به‌حساب آید که خود تهدیدی برای تحقق اهداف موجود در زمینه اقتصاد مقاومتی می‌باشد.

4. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نرخ ارز یکی از متغیرهای کلیدی اقتصادی و به‌گونه‌ای مهم‌ترین مجرای ارتباط اقتصاد ملی با محیط بین‌المللی می‌باشد. بدون شک در شرایط کنونی اقتصاد جهانی و وجود پدیده‌هایی همچون

1. Transmission Mechanism

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

اختلافات تجاری کشورها و بلوک‌های تجاری، جنگ ارزی، نزاع‌های تعرفه‌ای و ... سیاست ارزی از اهمیت بسزایی در حوزه اقتصاد ملی کشورها برخوردار گشته است و این موضوع در ایران نیز مصداق می‌یابد. به‌ویژه آنکه در ایران به‌عنوان یک اقتصاد نفتی جریان ورود درآمدهای ارزی به بودجه دولت و بحث قیمت‌گذاری نرخ ارز در بودجه حساسیت بحث را دوچندان می‌نماید. ضمن اینکه به‌دلیل محدودیت صادرات غیرنفتی و تأثیرپذیری بازار ارز از میزان ارزی که توسط دولت و مقامات پولی به بازار ارز تزریق می‌شود مقوله نرخ ارز و تعیین قیمت بهینه آن به یکی از موضوعات چالش‌برانگیز تبدیل شده است.

مروری بر سیاست‌های ارزی اتخاذ شده طی دهه اخیر حکایت از اعمال سیاست نرخ ارز شناور به‌شدت مدیریت دارد که الزاماً با سیاست‌های اتخاذ شده در حوزه پولی و مالی دولت هماهنگ نمی‌باشد. نتیجه این شرایط تثبیت نسبی نرخ ارز و اضافه ارزش پول ملی طی دهه اخیر و متعاقب آن افزایش (کاهش ارزش) ناگهانی نرخ ارز در دو سال اخیر بوده است. این پدیده صرفنظر از عوامل ایجابی آن می‌تواند فرصت‌ها و تهدیداتی را برای اقتصاد ملی در پی داشته باشد که عملاً مدیریت بهینه آن می‌تواند یکی از رسالت‌های سیاستگذاران اقتصادی کشور به‌حساب آید. بررسی این موضوع (فرصت‌ها و تهدیدات احتمالی) در دستورکار مطالعه حاضر قرار داشت.

نتایج حکایت از آن دارد که صرفنظر از تبعات منفی این پدیده همچون قرار گرفتن (ورود) اقتصاد ایران در یک رژیم تورمی بالاتر، تحریک انتظارات تورمی عاملان اقتصادی، کاهش اعتماد مردم به مقامات پولی و ارزی، تغییر در ساختار (تعادل) پس‌انداز و سرمایه‌گذاری کشور، ایجاد مقدمات دلاری شدن اقتصاد (پدیده جانشینی پول) و ... چنانچه سیاستگذاری بهینه در زمینه مدیریت صحیح و بهره‌گیری از فرصت‌های احتمالی ایجاد شده از آن صورت نگیرد این فرصت‌ها می‌توانند در چارچوب نارسایی‌های موجود در سایر بخش‌ها از میان رفته و عدم تحقق انتظارات مربوط به بهبود تراز تجاری و معضلات جدیدی همچون صادرات قاچاق و تورم مزمن کالاهای وارداتی و... را در پی داشته باشد، چراکه افزایش فزاینده نرخ ارز طی دو سال اخیر نه‌تنها به‌صورت معناداری جریان قاچاق ورودی به کشور را متأثر نساخته است، بلکه بحران مربوط به صادرات قاچاق را نیز تشدید نموده است. به‌نظر می‌رسد در ریشه‌یابی این

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

شرایط می‌بایست بخش قابل‌توجهی از علت را در مکانیزم سریع انتقال آثار نرخ ارز به سطح عمومی قیمت‌ها دانست. به عبارت دیگر، جریان فزاینده افزایش سطح عمومی قیمت‌ها طی دو سال اخیر در اقتصاد ملی و به‌تبع آن کم‌رنگ شدن اختلاف نسبی رشد قیمت کالاهای قابل مبادله به غیرقابل مبادله باعث گردید افزایش هزینه تمام‌شده واردات در اقتصاد ملی چندان معنادار نگردیده و کماکان پدیده واردات قاچاق به‌عنوان یک معضل ملی در اقتصاد کشور خودنمایی نماید. ضمن اینکه مشکل تشدید قاچاق صادرات نیز به‌عنوان یک مشکل جدید به مدیریت اقتصادی کشور تحمیل شود. این وضعیت آسیب‌پذیری اقتصاد ملی را با رویکرد اقتصاد مقاومتی به‌ویژه از منظر حمایت از تولید ملی و مدیریت مصرف به‌شدت تحت‌تأثیر قرار می‌دهد.[1]

منابع

بانک مرکزی ج.ا.ایران، بانک اطلاعات اقتصادی، www.cbi.ir.

ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، معاونت پژوهش (1388)، *آمار و اطلاعات، برآورد حجم قاچاق در اقتصاد ایران*.

ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، معاونت پژوهش (1391)، *آمار و اطلاعات، ارزیابی پیامدهای طرح تحول اقتصادی بر پدیده قاچاق کالا با تأکید بر هدفمندی یارانه‌ها و نظام گمرکی کشور*، بهار.

مزینی، امیرحسین و کاظم یاوری (1389)، "جهش پولی نرخ ارز: مورد ایران"، *فصلنامه نامه مفید*، شماره 35، فروردین و اردیبهشت.

مزینی، امیرحسین (1385)، "اثر شوک‌های پولی بر متغیرهای اسمی و واقعی اقتصاد"، *فصلنامه نامه مفید*، سال 12، شماره 54، تیرماه.

وطن‌پور، علیرضا (1386)، "قاچاق کالا و تأثیر آن بر اقتصاد ملی"، *بررسی‌های بازرگانی*، فروردین و اردیبهشت، دوره جدید، سال چهارم، شماره 28.

وطن‌پور، علیرضا (1387)، "قاچاق کالا و تأثیر آن بر امنیت اقتصاد کشور"، *کارآگاه*، تابستان.

David, Romer (1996), "Advanced Macroeconomics", USA. Mcgraw-Hill.

1. اقتصاد مقاومتی بنا به فرمایشات مقام رهبری دارای چهار بعد اساسی است که عبارتند از استفاده از ظرفیت‌های مردمی، حمایت از تولید ملی، مدیریت مصرف و اقتصاد دانش‌بنیان.

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]

[Downloaded from qjfep.ir on 2026-11-08]